

کاوش باستان‌شناسی در محوطه برزقاواله، حوضه سد سیمره

شقایق هورشید

کارشناس پژوهشکده باستان‌شناسی و دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه مازندران
shaghayegh_hourshid@yahoo.com

سیدرسول موسوی حاجی

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران
seyyed_rasool@yahoo.com

چکیده

در روزهای پایانی سال ۱۳۹۲ در پی پسروی آب دریاچه سد سیمره، بخشی از زمین‌های حاشیه حوضه دریاچه از زیر آب خارج شد. از آنجا که بخشی از رودخانه سیمره که اکنون تبدیل به دریاچه سد سیمره شده است مابین دو استان لرستان و ایلام قرار دارد، طبیعی بود که کاوش نجات‌بخشی در مورد تعدادی از محوطه‌های باستانی در هر دو استان مد نظر قرار گیرد. از جمله این محوطه‌ها، برزقاواله در استان لرستان بود. لازم به ذکر است که بخش‌هایی از این محوطه وسیع نیز پیش از این مورد بررسی و کاوش نجات‌بخشی قرار گرفته بود که به شناسایی آثار ارزشمندی از جمله آثار معماری و گچبری در آن منجر شده بود. با توجه به پیشینه موضوع، گروه‌های کاوش در فرصت اندک (تا بالا آمدن مجدد آب)، شروع به کاوش در محوطه برزقاواله کردند. یکی از این محوطه‌ها به نام برزقاواله (۱) بود که در این نوشته تلاش بر این خواهد بود تا با معرفی آن و در ادامه با مقایسه داده‌های حاصل از کاوش آن با یافته‌های سایر بخش‌های محوطه (برزقاواله) شناخت کامل‌تری از آن حاصل شود. به همین منظور در ابتدا به تشریح موقعیت جغرافیایی محوطه برزقاواله و در ادامه به بیان پیشینه تاریخی و پژوهشی آن پرداخته ایم و در گام بعدی داده‌های حاصل از کاوش محوطه برزقاواله (۱) را - که هدف اصلی این مقاله است - تشریح و توصیف کرده ایم و در پایان به اختصار داده‌های این محوطه را با آثار مشابه مقایسه کرده به جمع‌بندی مطالب پرداخته ایم.

واژه‌های کلیدی

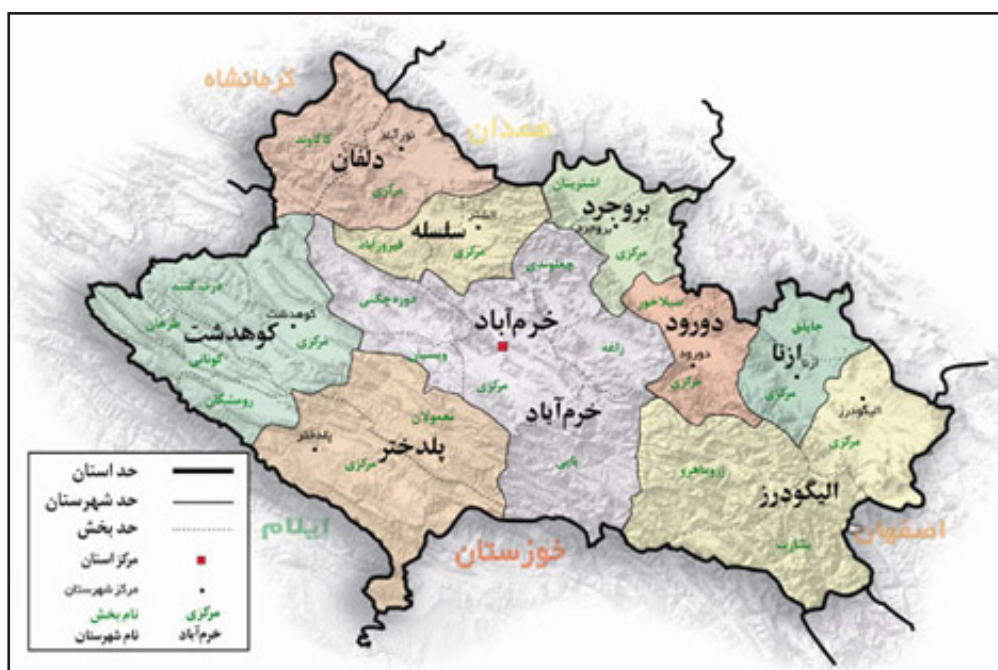
سیمره، محوطه برزقاواله، کاوش نجات‌بخشی، لرستان.

در محوطهٔ برزقاواله (شهر باستانی سیمره) بود که اکنون در میان آب‌های دریاچهٔ سیمره مدفون شده است.

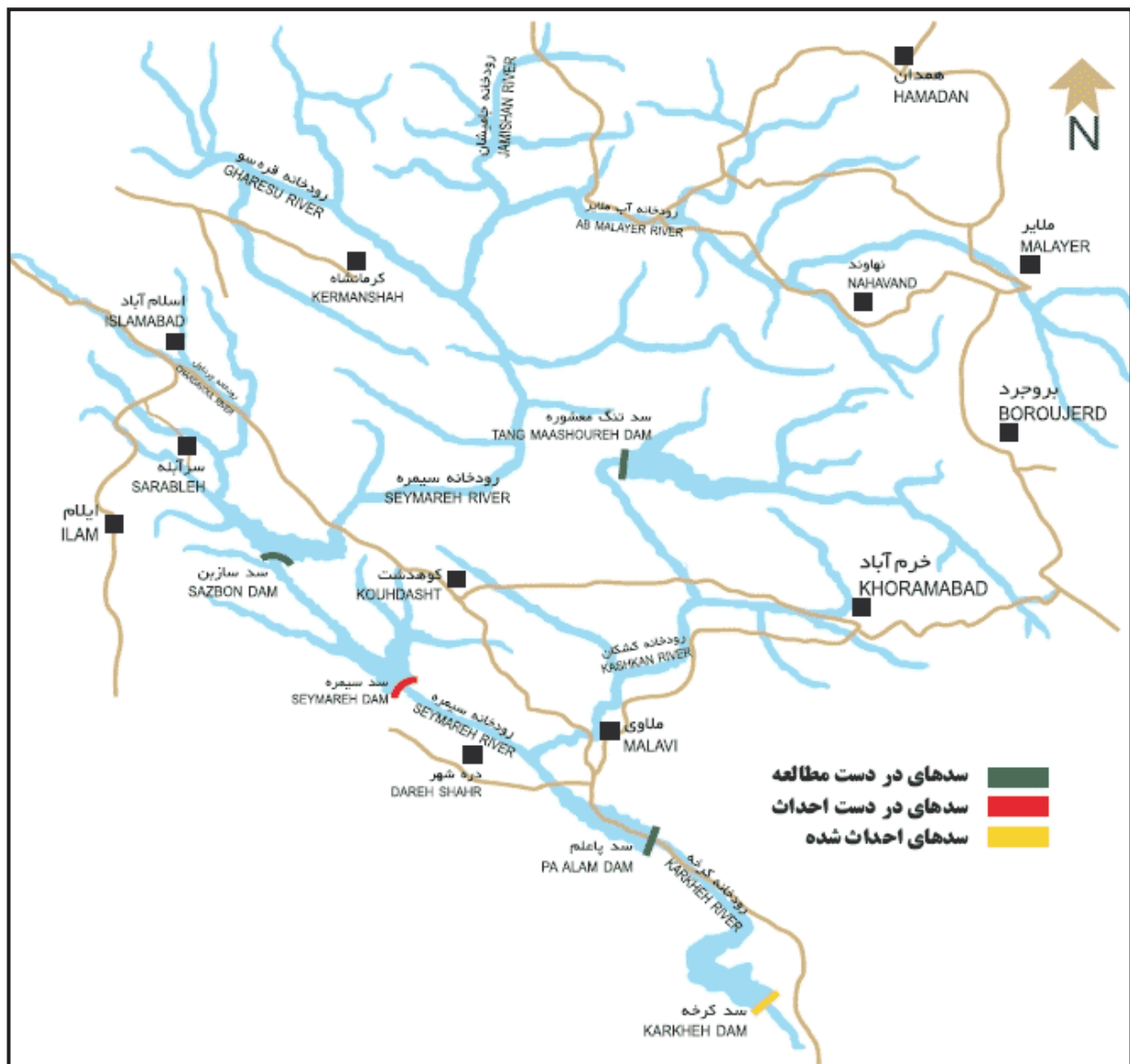
موقعیت جغرافیایی محوطه برزقاواله

محوطهٔ برزقاواله تقریباً ده هکتار وسعت دارد و از شمال و غرب به ارتفاعات دربندکیبود و از جنوب به رودخانهٔ سیمره منتهی می‌شود. این محوطه در شمال غربی دهکدهٔ متروکهٔ رماوند، در بخش کونانی از توابع شهرستان کوهدشت و در حدود هفتاد کیلومتری مرکز این شهرستان قرار گرفته است. این محوطه باستانی یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین محوطه‌های دورهٔ ساسانی در لرستان به شمار می‌آید. محوطهٔ برزقاواله در حوضهٔ رودخانهٔ سیمره و در محدودهٔ حوضهٔ آبرگیر سد سیمره واقع شده است. در وضع کنونی به غیر از بخش کم‌عرضی از حاشیهٔ شمالی محوطه که در شیب تند دامنه‌های ارتفاعات دربندکیبود واقع شده، تقریباً تمامی سطح آن زیر دریاچهٔ سد سیمره غرق شده است. این محوطه در فاصلهٔ مستقیم (حدود) ۶۸۵۰ متری شمال غربی بدنهٔ سد سیمره قرار داشت که متأسفانه در روزهای آغازین سال ۱۳۹۳ غرقاب شد (تصویر ۱).

کاوش‌های باستان‌شناسی به منظور نجات بخشی محوطه‌ها و آثار باستانی، امروزه نقش سازنده‌ای در کنار فعالیت‌های عمرانی دارند. با این وجود به سبب مشکلات و مسائل متعدد، این نقش در کشور ما در بسیاری از موارد یا نادیده گرفته شده و یا به علت اتلاف وقت، چندان سودمند به نظر نمی‌رسد. از مصادیق این موضوع نیز می‌توان به پروژه‌های سدسازی متعددی اشاره کرد که در استان‌های مختلف در حال انجام است و یا بعضاً به مراحل پایانی ساخت و آگیری رسیده و باعث غرقاب شدن بسیاری از سایت‌های مهم، بدون انجام برنامه‌های بررسی و شناسایی، کاوش و ثبت و مستندنگاریِ برگ‌های ارزشمند تاریخ سرزمینمان شده است. از جملهٔ این سدها می‌توان به سد سیمره اشاره کرد که حوضهٔ آن از حیث فراوانی و تنوع آثار و محوطه‌های باستانی، بسیار ارزشمند و قابل توجه است و محوطهٔ برزقاواله در آن واقع است. در این نوشتار به کاوش بخش کوچکی از محوطهٔ برزقاواله که شامل بنایی است که در انتهای غربی محوطه و در دامنهٔ جنوبی کوهی که بر فراز آن قلعهٔ سیرم‌شاه واقع است، پرداخته خواهد شد. این بنا جزئی کوچک از آثار و بناهای موجود



تصویر ۱. نقشهٔ استان لرستان و موقعیت شهرستان کوهدشت و بخش کونانی (مأخذ: بازگیر، ۱۳۹۲: ۴۲).



تصویر ۲. نقشه رودخانه‌ها و موقعیت سد های استان های کرمانشاه، لرستان و ایلام (مأخذ: سیمای طرح سد و نیروگاه سیمره، ۱۳۸۱).

رودخانه سیمره

رودخانه سیمره در واقع از به هم پیوستن دو رود گاماسیاب که خود از دامنه‌های جنوبی الوند در استان همدان و رودخانه قره‌سو که آن نیز از کوه‌های شمال کرمانشاه نشأت گرفته، تشکیل شده است. این رودخانه پس از طی مسیری طولانی سرانجام با نام سیمره وارد استان لرستان شده و مرز طبیعی استان‌های لرستان و ایلام را تشکیل می‌دهد (تصویر ۲) (زنده‌دل، ۱۳۷۹: ۳۹).

سد سیمره

بر رودخانه سیمره چندین سد، از جمله کوران بوزان، سازین، و... ساخته شده است که یکی از این سدها، سد سیمره (هینی‌مینی) است که در سی کیلومتری شمال غرب شهرستان دره‌شهر واقع شده است. سد در ۴۷ درجه ۱۲ دقیقه طول شرقی و ۳۳ درجه و ۱۷ دقیقه عرض شمالی واقع است و نیروگاه آن نیز روبه‌روی روستای تلخاب در فاصله ۱/۵ کیلومتری از سازه سد قرار دارد. بدنه (دیواره) سد سیمره



تصویر ۳. موقعیت سد سیمره نسبت به محوطهٔ برزقواله (۱) که در تصویر با علامت پیکان مشخص شده است (مأخذ: سیمای طرح سد و نیروگاه سیمره، ۱۳۸۱).

شهر تاریخی دره‌شهر امروزی می‌دانند. یعنی در واقع هر کدام از این دو ایالت (در اواخر دورهٔ تاریخی «ساسانی» و صدر اسلام) دارای یک پایتخت یا یک مرکز مهم بوده اند (لسترنج، ۱۳۶۴: ۲۱۸). در این باره ابواسحق ابراهیم اصطخری چنین آورده است: که سیمره و سیروان دو شهر کوچک اند با آب بسیار و غالب بنیاد خانه‌هایشان از گل و گچ می‌باشد (اصطخری، ۱۳۷۳: ۲۰۷). ابن حوقل در کتاب خود ضمن بیان حدود جغرافیایی ولایت جبال و ذکر نام شهرهای آن، در مورد دو شهر سیمره و سیروان چنین نوشته: دو شهر کوچک اند که بناهای آنها مانند شهرهای موصل و تکریت اغلب با گچ و سنگ است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۱۲). سیمره مرکز ایالت مهرگان کدک (کده) بوده است و بنا به گفته‌های مقدسی، دژی متعلق به هرمزان آخرین حاکم ساسانی در آن قرار داشت و هرمزان گاهی در آنجا (سیمره) اقامت می‌کرده است (کامبخش فرد، ۱۳۶۳: ۲۷). شهر سیمره مدت زمانی پس از خراب شدن سیروان شهری آباد و محل آن نیز از سیروان بهتر بوده است. هم‌چنین مقدسی از ولایت مهرجان قذق که محیط بر سیمره بوده، به بزرگی و آبادی یاد کرده است. همان‌طور که امروزه نیز در جریان کاوش‌های باستان‌شناسی اخیر مشاهده شده است، مصالح به‌کاررفته در ساخت معماری‌های درهٔ سیمره بیش‌تر از قلوه‌سنگ و ملات ساروج و گچ بوده است. در همین راستا

۱۸۰ متر ارتفاع دارد و تا تراز آبی ۷۳۰ متری پشت مخزن را غرقاب کرده و زمین‌های پشت سد را که در دو استان ایلام و لرستان واقع شده اند را مشمول قوانین حرایم وزارت نیرو خواهد کرد. دریاچهٔ سد با طولی بیش از چهل کیلومتر، از تنگهٔ محل احداث سد (در شهرستان دره‌شهر) تا تنگهٔ سازبن در شهرستان شیروان و چرداول استان ایلام و کوه‌دشت لرستان را به زیر آب خواهد برد (تصویر ۳).

جغرافیای تاریخی سیمره

درهٔ سیمره از دیرباز به لحاظ ویژگی‌های طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، و موقعیت خاص استراتژیکی خود (که در حد فاصل دو عارضهٔ مهم طبیعی کبیرکوه و رود سیمره واقع شده) همواره مورد توجه گروه‌های انسانی بوده است. کبیرکوه موجب ایجاد دو حوزهٔ جغرافیایی در منطقهٔ غرب ایران به نام پیش‌کوه و پشت‌کوه شده است. اکثر محققان، مورخان، جغرافیایی و سفرنامه‌نویسان قدیم از پشت‌کوه به عنوان ایالت ماسبدان و از پیش‌کوه به عنوان ایالت مهرجان قذق نام برده اند و پایتخت ماسبدان (ماه سبدان، ماسدان، ماسپتان، ماسهبدان، مازندران) را سیروان (شیروان) می‌دانند که ویرانه‌های آن در میان روستای سرابکلان از توابع شهرستان شیروان چرداول واقع است و پایتخت مهرجان قذق (مهرگان قذق، مهرجان کدک) را سیمره (سیمره یا

تصویر ۴: موقعیت محوطه برزه قواله (۱) نسبت به دریاچه پشت سد سیمره و محوطه‌های باستانی همجوار (Google Earth)



آباد شده و در سده‌های نخستین اسلامی دره سیمره مرکز معتبری بوده است و معماری خاص دوره ساسانی با بازسازی و تغییر شکل در آن مورد استفاده قرار گرفته است تا این که زلزله‌ای هولناک آن را از بین برده است. مسعودی در این باره می‌نویسد: در سال ۳۳۴ق در سیمره زلزله‌ای پدید آمده و آن شهر را ویران کرده است (مسعودی، ۱۳۸۱: ۷۴). مؤلف/حسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم برخلاف وی می‌گوید: سرزمینی حاصلخیز و آباد بوده که در سنه ۲۵۸ق در اثر زلزله ویران شده است. مؤلف الکامل فی التاریخ در توصیف این رخداد و چگونگی آن چنین نوشته است که در هنگام زلزله در سیمره صدایی عظیم بلند شد. اخیراً مطالعات زمین‌شناسی در حوضه آبرگیر سد سیمره، وقوع این زلزله را در گذشته به اثبات رسانده است. به هر حال در زمان یاقوت شهر به کلی از میان رفته است. ابن اثیر و حمزه اصفهانی نیز تاریخ زلزله را ۲۵۸ق ذکر کرده اند. پس از وقوع این زلزله بزرگ، این شهر اهمیت خود را از دست می‌دهد و می‌بینیم ابن اثیر بعد از این تاریخ (۲۵۸ق) هر جا از سیمره نام می‌برد با نام «محل سیمره» است (ابن اثیر جرز، ۱۳۷۴: ج ۱۲: ۵۴۳۴). همان‌طور که اشاره شد بعد از وقوع زلزله و ویرانی و متروک شدن سیمره و سیروان، دیگر از آن رونق و آبادانی گذشته در ادوار بعدی خبری نبوده است. مناطق پیشکوه و پشتکوه از دوران سلجوقی تا اوایل دوره صفوی توسط اعراب، اتابکان و سپس خاندان اهل خورشید و در نهایت در اواخر دوره صفویه

در کتاب جغرافیای غرب ایران نوشته ژاک دموگان آمده است که تمامی این بناها از قلوه‌های سنگ گرد و ساییده ساخته شده و با گچ بنایی شده اند و دیوارها با گچ کاری مختلفی مزین شده اند. مشاهدات سیاحان از دره سیمره بیانگر وجود یک شهر ساسانی با تمام خصوصیات مربوط به آن است که مصالح عمده آن قلوه‌سنگ، گچ و ساروج است. بنا به گفته مینورسکی در مهرجان قذق سیمره یک دژ متعلق به هرمان آخرین فرمانروای ایرانی قبل از فتح اسلام برپا بوده و اقامتگاه وی در سیمره بوده است (پرویز، ۱۳۸۰: ۹۱-۹۴). با توجه به این آثار و پل‌های تاریخی به‌جای مانده از نیاکان با فر و شکوه و سایر آثار ارزنده معماری و راه‌های انشعابی دیگر، روشن است که اهمیت و ارزش منطقه در گذشته، شهره بوده و ارتباط ساکنان محل با دیگر مراکز مهم و باشکوه ایران تأمین و برقرار بوده است. منطقه مورد مطالعه به سبب موقعیت جغرافیایی ممتازی که در گذشته داشته و همچنین نزدیکی به شاهراه ابریشم و قرار گرفتن در مسیری ارتباطی که شمال و جنوب ایران، فلات مرکزی و میان رودان را بهم پیوند می‌داد، چون حلقه‌ای رابط، طیف گسترده‌ای از فرهنگ‌ها را با هم آشنا می‌ساخت.

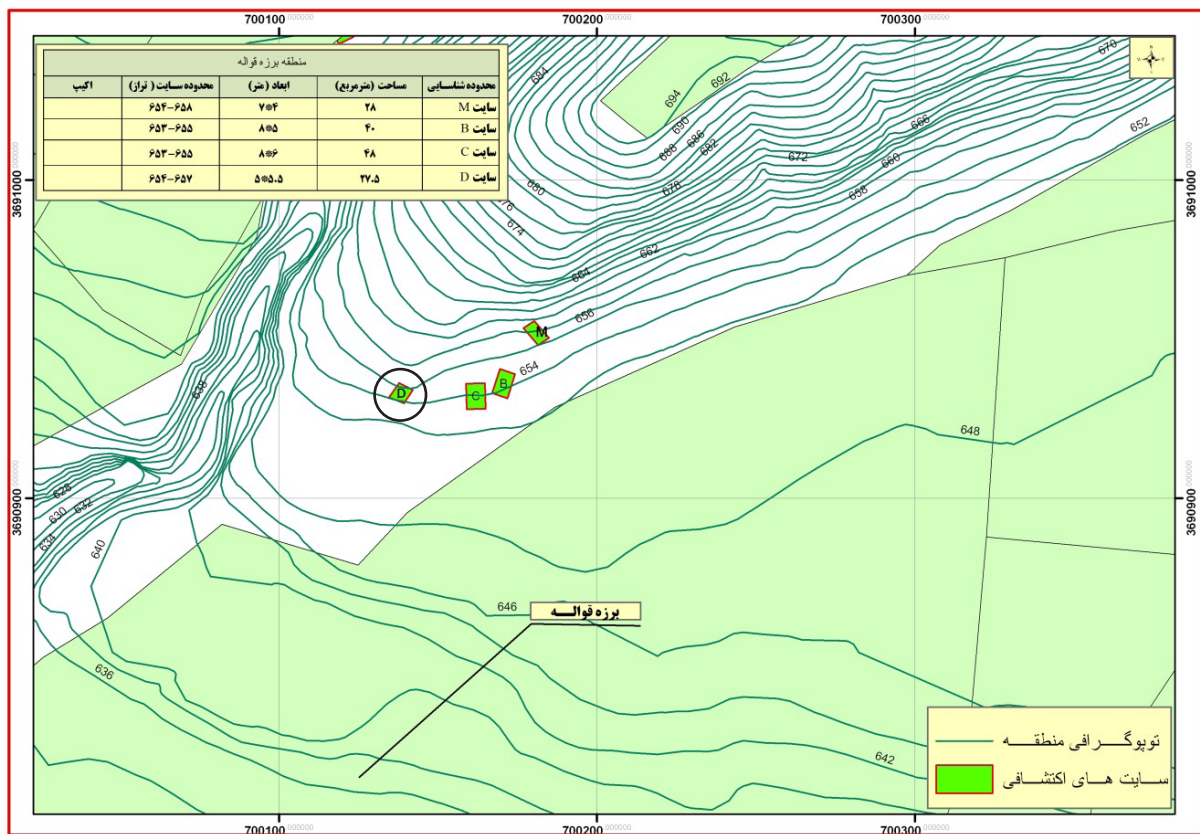
اما سیمره در دوران حیات خود دچار ویرانی‌هایی هم شده است. از جمله این شهر در سده‌های نخستین اسلامی شاهد حمله اعراب مسلمان بوده است. با این که در حمله اعراب خسارت شدیدی به این شهر وارد آمد، ولی دوباره

تا پایان دوره قاجار توسط والیان پشتکوه اداره می‌شد (راد، ۱۳۷۴: ۱۴۰-۲۲۶ و افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۱۷۲-۱۲۷). با توجه به مطالب ذکر شده زلزله سده سوم هجری چنان ویرانگر بود که این شهر هرگز روی آبادانی و رونق گذشته (دوره ساسانی و صدر اسلام) را به خود ندید. از این رو به نظر می‌رسد با توجه به شواهد موجود، دره سیمره پس از ویرانی گسترده سده سوم هجری تاکنون، تنها در دوره‌های آرامش، شاهد سکونت موقت اقوام کوچ‌نشین (عشایر) بوده است.

پیشینه مطالعات انجام شده در منطقه

فعالیت‌های باستان‌شناسی در حوضه آبگیر سد سیمره نخستین بار از سوی پژوهشکده باستان‌شناسی با برنامه بررسی و شناسایی به سرپرستی سید عبد رسول سیدین بروجنی در سال ۱۳۸۶ آغاز شد که به موجب آن محوطه برزقواله به عنوان یک محوطه شناسایی شده معرفی شد

(بروجنی، ۱۳۸۶). در ادامه این بررسی، در سال ۱۳۸۹ بخشی از محوطه برزقواله به سرپرستی آرش لشکری، و بخش دیگری از محوطه به نام قلعه گوری رمانند (گبری برزقواله) به سرپرستی عطا حسن پور و محوطه فراش به سرپرستی دکتر لیلی نیاکان و هم‌چنین قلعه سیرم‌شاه واقع بر کوه دریندکبود) مشرف بر محوطه برزقواله به سرپرستی دکتر یعقوب محمدی فر مورد کاوش‌های نجات‌بخشی قرار گرفتند (تصویر ۴) (آرشیو مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی). در اواخر سال ۱۳۹۲ دوباره کاوش‌های نجات‌بخشی در برزقواله ادامه یافت که بر این اساس تیم‌های باستان‌شناسی به صورت هم‌زمان در حد فاصل امتداد خط ساحلی دریاچه سیمره تا کوه دریندکبود شروع به کاوش کردند. در ابتدا کارگاه‌های کاوش با حروف انگلیسی نامگذاری شدند که حرف D معرف کارگاه برزه قلاوه (۱) است (تصویر ۵).



تصویر ۵: موقعیت کارگاه‌های کاوش که توسط تیم‌های باستان‌شناسی در اواخر سال ۹۲ به انجام رسید. سایت مشخص شده با حرف لاتین D موقعیت محل کاوش برزقواله (۱)، مربوط به این پژوهش است (ماخذ: دفتر فنی کارگاه سد سیمره).

آثار معماری شناسایی شده در محوطهٔ برزقواله (۱)
 در طول فصل کاوش نجات بخشی محوطهٔ برزقواله (۱)،
 بنای ساخته شده از لاشه سنگ و ملات گچ از زیر خاک خارج
 و ثبت و مستندنگاری شد (تصویر ۶). مساحت کلی بنای
 مذکور در حدود ۸۷ متر مربع بود و شامل سه اتاق، که
 مساحت داخل آن‌ها عبارت بود از: اتاق شماره ۱، ۱۵/۶۴،
 اتاق شماره ۲، ۱۵/۸۷، و اتاق شماره ۳، ۲۲/۸۶ متر مربع
 (تصاویر ۷ و ۸).



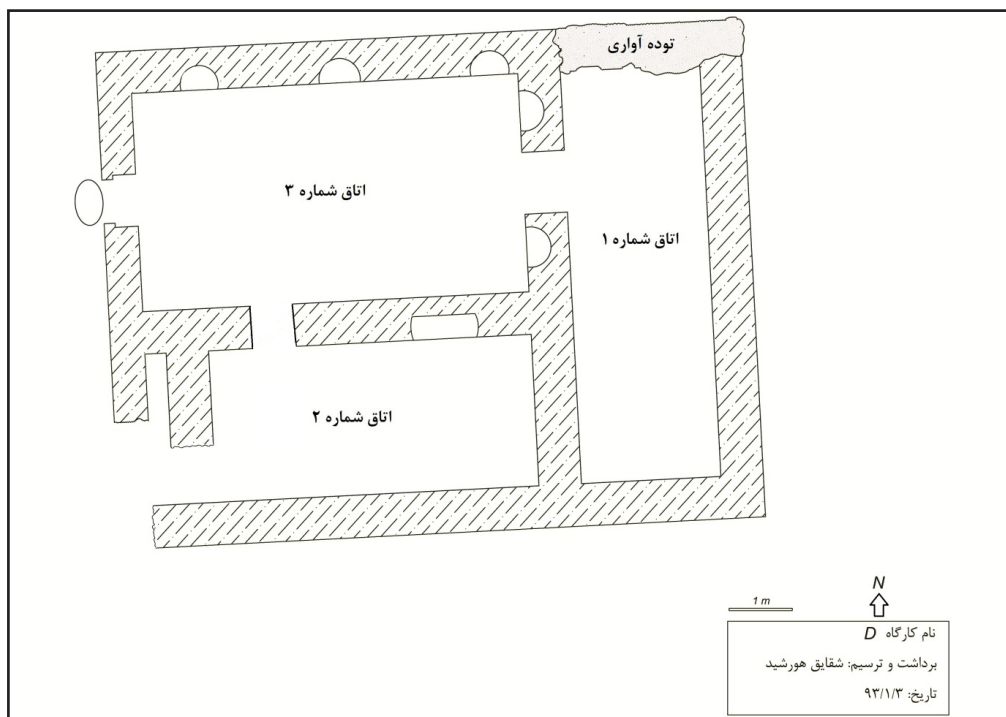
تصویر ۶: نمای کلی از ساختمان برزه قواله (۱) پیش از غرقاب شدن
 (عکس از نگارنده).



تصویر ۷: نمایی از بنای در حال کاوش، دید از جنوب شرق
 (عکس از نگارنده).

یافته‌های حاصل از کاوش باستان‌شناختی

در مجموع آثار متنوعی شامل بنای ساخته شده از لاشه سنگ
 و ملات گچ، قطعات سفال مربوط به ظروف و خمره‌های
 ذخیره، و دو قطعه گچ تزئینی فاقد نقش از کاوش نجات بخشی
 محوطه برزقواله (۱) به دست آمد که در ادامه به شرح آن‌ها
 پرداخته می‌شود.



تصویر ۸: پلان بنا و موقعیت فضاهای کاوش شده (ترسیم از: نگارنده).

برای پی‌سازی بنا از بستر کوه و نیز صخره‌های بزرگ استفاده کرده (تصویر ۹)، سپس دیوارهای ساخته شده با سنگ و ملات گچ روی پی قرار گرفته‌اند. در بخش‌هایی از سطوح داخلی و خارجی بنا گچ‌اندود شده مشاهده می‌شود. اتاق شماره ۱ که در جهت شمالی - جنوبی ساخته شده بیش‌ترین آسیب را در کل بنا متحمل شده است؛ به نحوی که در این اتاق آثاری از اندود و کف‌سازی مشاهده نمی‌شود و بخش‌های فوقانی دیوارها نیز فروریخته است.^۱

در مورد راه دسترسی به این اتاق نیز باید اشاره کرد که درگاه مابین این اتاق و اتاق شماره ۳، راه دسترسی آن را فراهم می‌کرده است. در اتاق شماره ۲ بخش‌هایی از کف گچی قابل مشاهده بود اما بخش‌های زیادی از آن در جریان نخستین غرقاب حل شده و از بین رفته بود. هم‌چنین در کف اتاق مذکور تعداد زیادی قطعات سفال مربوط به ظروف و خمره‌های ذخیره دیده می‌شد که سطوح‌شان با حجم زیادی از رسوبات پوشیده شده بود. در بدنه شمالی این اتاق در داخل دیوار یک تورفتگی مستطیل‌شکل (طاقچه مانند) در ابعاد $۱۰۴ \times ۳۰ - ۴۰$ سانتی‌متر و میانگین ارتفاع ۷۰ سانتی‌متر قرار داشت که در گذشته سطح آن با اندودی از گچ پوشانده شده بود اما در حین کاوش فقط بخش‌های مختصری از اندود آن باقی مانده بود. هم‌چنین برای تزئین لبه خارجی آن از قطعات گچی شیارداری استفاده شده بود که یک نمونه آن در دیواره شرقی سازه قابل مشاهده بود. در مقابل این فضای کوچک تورفته، حجم زیادی از خاکستر و ظروف شکسته دودگرفته که در اثر رطوبت به سطوح آنها چسبیده بود، و نیز مقداری خاک حرارت‌دیده قابل مشاهده بود اما نشانه‌ای از سیاهی و دوده بر بدنه سازه دیده نمی‌شد و شاید بر اثر تخریب بخش‌های عمده‌ای از سطوح آن قابل مشاهده نبوده است (تصویر ۱۰). راه دسترسی به این اتاق از طریق یک درگاه قوس‌دار بوده است که در اصل رابط اتاق‌های شماره ۲ و ۳ بوده که از جای خود جدا شده و به صورت کامل در داخل اتاق شماره ۲ فروریخته بود. لازم به ذکر است که در داخل درگاه قوسدار، یک چاله حفاری غیر قانونی موجب تخریب بخش‌هایی از آن و هم‌چنین بخش جنوب غربی اتاق شماره ۳ شده بود و هم‌چنین چاله حفاری

غیر قانونی دیگری نیز در فاصله نیم متری درگاه مذکور ایجاد شده بود که بخش‌هایی از دیوار غربی بنا و دیوار حد فاصل اتاق‌های شماره ۲ و ۳ را تخریب کرده بود^۲ (تصویر ۱۱).

ساختار و تزئینات اتاق شماره ۳ که بزرگ‌ترین اتاق مجموعه است، دارای جزئیات بیش‌تری بود. دسترسی به این اتاق از طریق یک درگاه که در دیوار غربی بنا تعبیه شده بود و در واقع ورودی اصلی بنا را تشکیل می‌داد، ممکن شده بود. در مقابل این در قطع‌سنگ بیضی‌شکلی به ابعاد ۴۶×۷۵ سانتی‌متر و به ضخامت ۱۰ سانتی‌متر قرار داشت که به نظر می‌رسد این سنگ در سقف درگاه مستقر بوده و در گذشته پس از تخریب بنا در مقابل درگاه فروافتاده است و یا اینکه از ابتدا به عنوان پله یا پادری در مقابل در قرار داده شده بوده است (تصویر ۱۲).

از جزئیات ساختاری دیگر این اتاق می‌توان به وجود پنج طاقچه گچ‌اندود اشاره کرد که سه عدد از آنها در فواصل گوناگون در دیوار شمالی و دو عدد دیگر در دیوار شرقی و در طرفین درگاه موجود، مابین اتاق‌های شماره ۲ و ۳ قرار گرفته‌اند. طاقچه‌های گچ‌اندود به طور میانگین ۵۰ سانتی‌متر بالاتر از کف اتاق ساخته شده بودند و متوسط عرض دهانه آن‌ها ۶۰ و عمق آن‌ها ۴۰ سانتی‌متر بود. لازم به ذکر است که دو عدد از این طاقچه‌ها به شدت تخریب شده بود و فقط قوس کوچکی از پایه آن‌ها باقی مانده بود و در یک نمونه دیگر هم تقریباً نیمی از طاقچه از بین رفته بود در دو نمونه باقیمانده دیگر نیز سقف قوسی آن‌ها دچار آسیب شده بود اما با این وجود ساختار کلی آن‌ها قابل تشخیص بود. به طوری که با توجه به دو طاقچه نسبتاً سالم موجود می‌توان ارتفاع فضای داخلی هر طاقچه را در حدود ۶۰ سانتی‌متر در نظر گرفت (تصویر ۱۳).

همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد در دیوار شرقی اتاق، درگاهی وجود داشت که به اتاق شماره ۱ راه پیدا می‌کرد. این درگاه به شدت آسیب دیده بود. با این وجود به نظر می‌رسد دارای ساختار بسیار ساده‌تری نسبت به درگاه اصلی مجموعه ساختمان (در دیوار غربی بنا) بوده است. متأسفانه در حین کاوش به سبب بالا آمدن آب پشت سد،



تصویر ۱۲. نمایی از ورودی غربی ساختمان (ورودی اصلی)، دید از شرق (عکس از: نگارنده).



تصویر ۱۳. نمایی از طاقچه‌های گچی ۲ و ۳ در تقاطع دیوارهای شمالی و شرقی اتاق شماره ۳ (عکس از: نگارنده).



تصویر ۱۴. چشم‌انداز کل بنا در حین کاوش همزمان با بالا آمدن سریع آب پشت سد. دید از جنوب (عکس از: نگارنده).

گستره احتمالی بنا در جهات شمال و غرب مشخص نشد و امکان اطلاع از آثار محدوده اطراف به وجود نیامد. پیش از این که بنا کامل از زیر خاک آشکار شود، محوطه در آب غرق شد (تصاویر ۱۴ و ۱۵).



تصویر ۹. پی‌های متشکل از صخره و تخته سنگ در گمانه پیشرو در جنوب اتاق شماره ۱ (عکس از نگارنده).



تصویر ۱۰. اتاق شماره ۲ و فضای کوچک تورفته (طاقچه‌مانند)، دید از جنوب (عکس از: نگارنده).



تصویر ۱۱. نمایی از اتاق‌های شماره ۱ و ۲ دید از غرب (عکس از: نگارنده).

مواد فرهنگی حاصل از کاوش

الف. سفال: در مجموع ۷۳۵ قطعه سفال به دست آمد که از این تعداد ۱۹۹ قطعه نخودی، ۲۲۹ قطعه قرمز، ۵۵ قطعه قهوه‌ای، ۴۴ قطعه خاکستری، ۲۰۶ قطعه نارنجی، و ۲ قطعه لعاب‌دار بودند.

کلاً ده ظرف شامل خمره‌های بزرگ و ظروف ذخیره‌آذوقه و ظروف با کارکرد روزمره، وصالی شده و همراه با قطعات سفال‌های شاخص طراحی شد. اما نکته‌ی حائز اهمیت در این باره نسبت تعداد ظروف به ابعاد خانه‌ی کاوش شده است که به نظر می‌رسد محل امنی برای نگهداری آذوقه ساکنان آن محل بوده است (تصاویر ۱۶-۱۹).

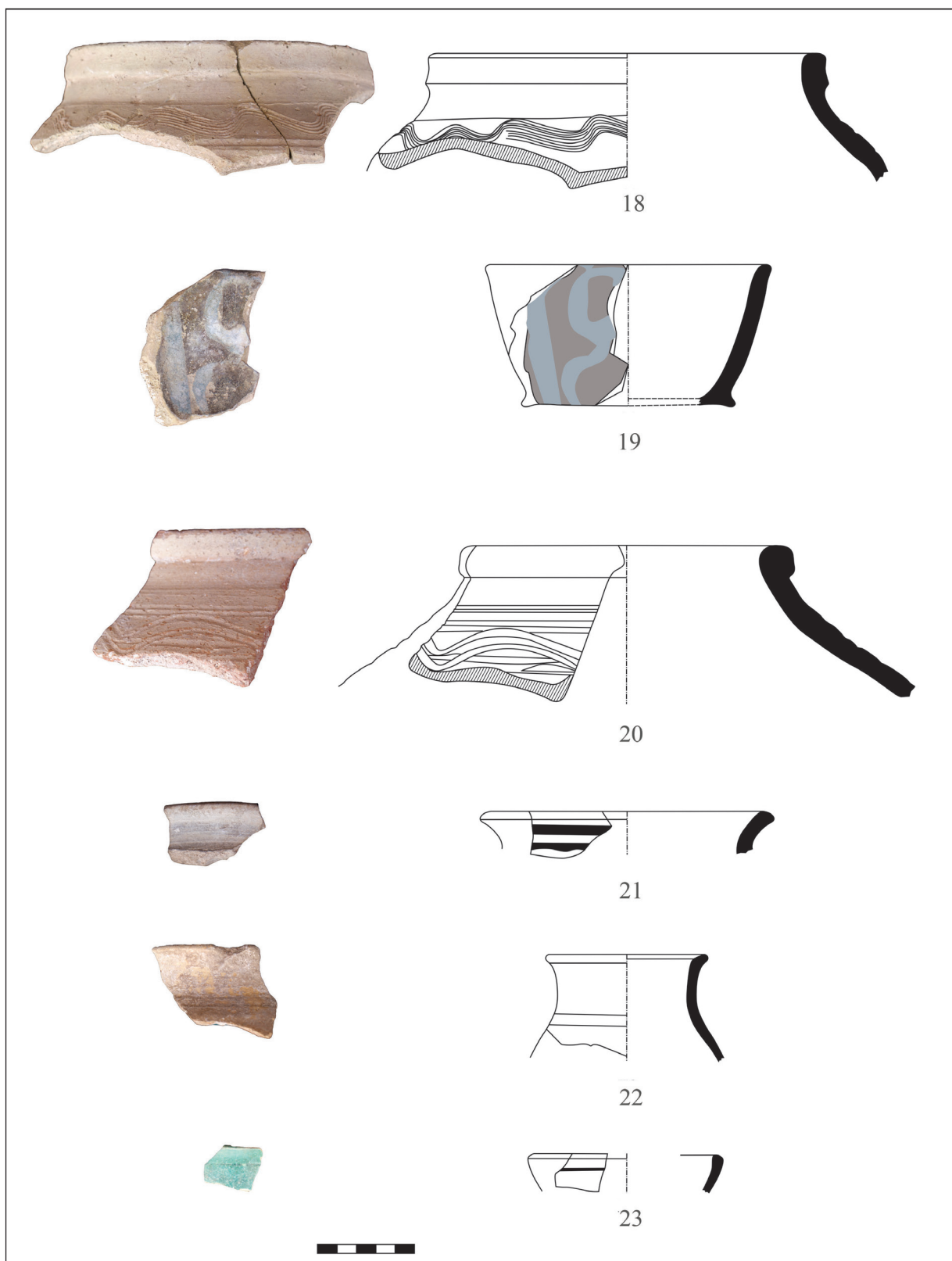


تصویر ۱۵: در این تصویر بالا آمدن آب تا پای دیوار شمالی بنا (دیوار دارای طاقچه‌های سه گانه) مشاهده می‌شود (عکس از: نگارنده).

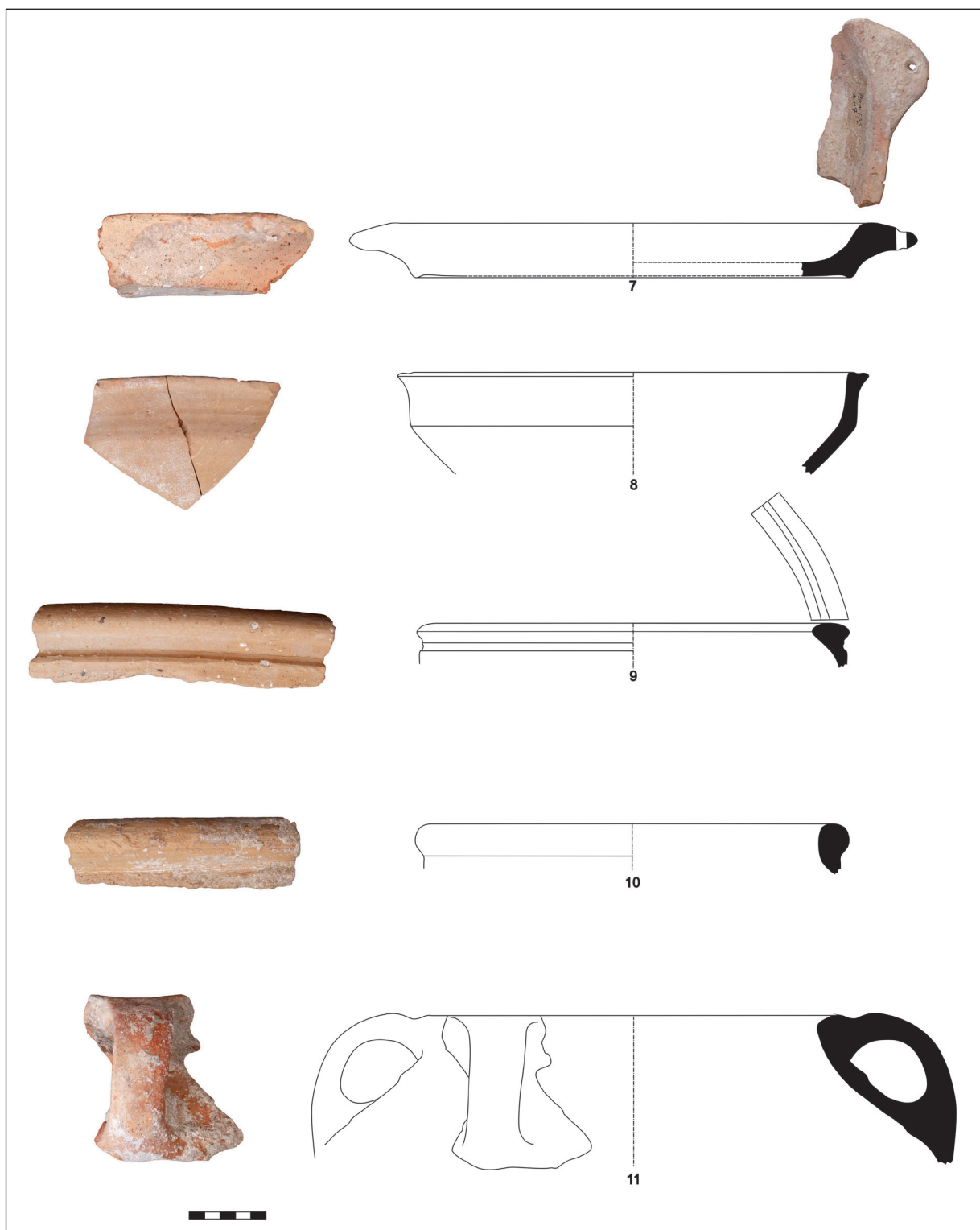


تصاویر ۱۶ و ۱۷. نمونه‌ی خمره‌های ذخیره‌ی آذوقه (طراح: زینب قاسمی).





تصاویر ۱۸. نمونه‌هایی از ظروف ساده و منقوش ساسانی محوطهٔ برزقاوالهٔ (۱) (طراح: زینب قاسمی).



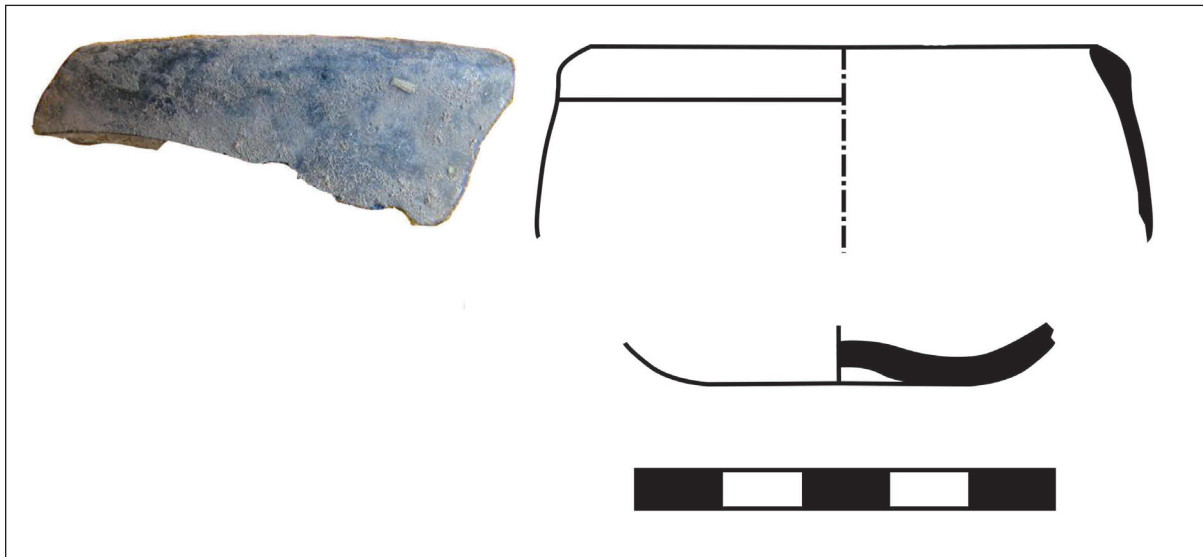
تصویر ۱۹. نمونه‌هایی از ظروف ساده و منقوش ساسانی محوطهٔ برزقواله (۱) (طراح: زینب قاسمی).



تصویر ۲۰. نمونه قطعات گچی ساختمان برزقواله (۱)
(تصویر از: نگارنده).

ج. شیشه: از میان مواد فرهنگی به دست آمده از کف ساختمان برزقواله (۱) دو قطعه شیشه ظریف مربوط به لبه و کف ظرف (به شدت آسیب دیده) آبی رنگ است که پوشش خارجی آنها با گذشت زمان و در قرار گرفتن در مجاورت هوا و رطوبت زیاد کریستالیزه شده و به شکل هفت رنگ درآمده بود (تصویر ۲۱).

ب. گچ: دو قطعه گچ که در لبه دیوارها به کار برده شده بود در اتاق شماره ۲ به دست آمد. یکی از نمونه‌ها شامل قطعه‌ای آجری شکل است که در داخل و لبه‌های جانبی آن سوراخ و شیارهای استوانه‌ای شکلی وجود دارد که به نظر می‌رسد آنها را جهت اتصال به قطعات مشابه در آن ایجاد کرده‌اند. قطعه دوم لبه پلکانی شکل ساده‌ای است که امروزه نیز جهت پوشاندن لبه خارجی دیوار و درگاه‌ها از نمونه‌های مشابه آن استفاده می‌کنند (تصویر ۲۰).



تصویر ۲۱. نمونه قطعات شیشه شامل کف و لبه ظرف (طراح: زینب قاسمی).

شرح مختصر و کلی کاوش‌های محوطهٔ برزقاواله

پژوهش‌ها و کاوش‌های اخیر در حوضهٔ سد سیمره به اندک شناختی از محوطهٔ بزرگ تاریخی برزقاواله (سیمره) منجر شده است. همان‌طور که پیش از این در بخش پیشینهٔ مطالعات نیز به آن اشاره شد، محوطهٔ برزقاواله (شهر تاریخی سیمره) در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۳ مورد کاوش‌های متعدد قرار گرفته که از آن جمله: کاوش بخشی از محوطهٔ برزقاواله به نام (برزقاواله)، کاوش محوطهٔ قلعه‌گوری (گبری)، کاوش محوطهٔ فراش و قلعهٔ سیرم‌شاه (که در ارتفاعات دربند کبود مشرف بر محوطهٔ برزقاواله (شهر تاریخی سیمره) قرار دارد) را باید برشمرد. از خصوصیات کلی و مشترک این آثار با سازهٔ مورد بحث در این نوشتار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مصالح به‌کاررفته در ساخت این آثار سنگ و گچ و ساروج است که در کتب تاریخی در بخش جغرافیای تاریخی نیز به این مهم اشاره شده است. از خصوصیات مهم دیگر استفاده از طاق‌های کوچک به عنوان درگاه، طاقچه‌های متعدد در بدنهٔ داخلی دیوارها با روکش گچ یا ساروج و همچنین استفاده از روکش گچ یا ساروج و یا بلوک‌های گچی ساده و مزین در نمای سازه‌هاست. در داخل این سازه‌ها نیز همچون بنای برزقاواله (۱)، قطعات سفال متعلق به ظروف دورهٔ ساسانی به وفور دیده می‌شود.^۱ در کل تمام بناهای مورد اشاره در واقع قطرات کوچکی از دریای بیکران آثار غرقاب‌شده شهر تاریخی سیمره است که اکنون دریاچهٔ سیمره آن را پوشانده است.

نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه که تاکنون گفته شد، می‌توان این‌گونه استنباط و نتیجه‌گیری کرد که:

۱. محوطهٔ برزقاواله به عنوان یک شهر (شهر سیمره دورهٔ ساسانی - سدهٔ سوم هجری) در حاشیهٔ رودخانهٔ سیمره قرار داشته و تا دامنهٔ ارتفاعات دربندکبود گسترش داشته است. در واقع وسعت این شهر بر اساس آثار پراکنده بیش از ۱۰ هکتار بوده که امروزه بخش گسترده‌ای از آن بدون انجام کاوش‌های نجات‌بخشی غرقاب شده است.

۲. با توجه به شباهت‌های موجود بین مصالح به‌کاررفته در

ساخت بنای برزقاواله (۱) با آثار پیش‌گفته از یک طرف و با توجه به شباهت جزییات ساختاری بنا (مثل درگاه قوس‌دار همانند نمونهٔ محوطهٔ برزقاواله، طاقچه‌های متقارن مانند نمونه‌های قلا/قلعه‌گوری) و همچنین وجود نمونهٔ سفال‌های مشابه با قطعات سفال پراکنده در کل محوطه و سایت‌های مذکور و نیز شباهت آنها با نمونه‌های شاخص ساسانی، می‌توان تعلق این بنا را به دورهٔ ساسانی را مد نظر قرار داد.

۳. با توجه به شواهد سفال و خصوصیات کلی معماری، این‌گونه به نظر می‌رسد که بنای برزقاواله (۱) به عنوان بنایی کوچک در شهر بزرگ سیمره دورهٔ ساسانی - صدر اسلام مسکونی بوده است و وجود ظروف شکسته متعدد درجا و طاق قوس‌دار فروافتاده، شاید نشانه‌ای احتمالی از وقوع زلزله مهیب سدهٔ سوم هجری باشد که موجب آسیب جدی به بنا و ترک آن شده است.

در یک نگاه کلی، بنای برزقاواله (۱) در موقعیتی قرار داشته که قلعهٔ سیرم‌شاه در شمال آن، محوطهٔ قلعه‌گوری (گبری) در غرب آن، بنای برزقاواله در شرق آن و بناهای دیگری نیز در جنوب و در حد فاصل آنها قرار داشته‌اند که البته بخش‌های جنوبی قبلاً با پیشروی دریاچهٔ پشت سد به زیر آب رفته بود و برای کاوش در جهات شمالی و غربی و شرقی نیز فرصتی نمانده بود. به این ترتیب با توجه به نتایج کاوش‌های اخیر و همچنین بررسی‌های محلی که شامل، آثار سطحی متعددی از بناهای سنگی قابل مشاهده بود، در واقع این نتیجه کلی حاصل می‌شود که شهر ساسانی وسیع و تداوم سکونت در آن تا سده‌های نخستین اسلامی - که وقوع زلزلهٔ بزرگی به ویرانی کامل شهر منجر شد - برقرار بوده است. به این ترتیب بنای مورد نظر این نوشتار در واقع جزیی از دریای بیکران آثار موجود در حاشیهٔ رودخانهٔ سیمره در محوطهٔ برزقاواله یا شهر ساسانی - صدر اسلام سیمره بوده که در نخستین روزهای فروردین ۱۳۹۳ همچون آثار پیش‌گفته به طور کامل غرق در آب شد.

۱. لازم به ذکر است محوطه برزقواله (۱) به سبب آبیگری سد سیمیره در سال ۱۳۹۲ غرق شده بود و به علت وجود مشکلاتی در بدنه سد، بخشی از آب دریاچه سد تخلیه شد به این ترتیب در اسفندماه، بخشی از انتهای محوطه برزقواله در شیب دامنه کوه دربند مشرف بر دریاچه سد از آب خارج شد و به این ترتیب تا آبیگری مجدد سد، فرصت چند روزه‌ای برای انجام کاوش نجات‌بخشی فراهم شد. نخستین آبیگری و در نتیجه آن غرق شدن سایت باعث شد بنا به شدت آسیب ببیند. کما این که به دیوارها، ورودی‌ها، طاقچه‌ها و کف‌ها آسیب جدی وارد شده و بعضاً به شدت تخریب شده بودند. وجود دو چاله حفاری غیر قانونی مابین اتاق‌های شماره ۲ و ۳ و غرقاب شدن محوطه باعث آسیب‌های جدی در بنا شده بود. همچنین قطعات سفال‌ها به علت غرقاب شدن دارای پوشش بسیار سخت سیمان‌مانندی ناشی از تنه‌نشست رسوبات دریاچه شده بود که در صورت عدم امکان دسترسی به آنها و انجام مستندنگاری، همچون توده‌های بسیار سخت سنگ‌مانندی برای همیشه در کف دریاچه مدفون می‌شدند. البته همان‌طور که پیش از این گفته شد با بر طرف شدن مشکل بدنه سد، مجدداً عملیات آبیگری انجام شد و در نتیجه آن در نخستین روزهای فروردین، ۱۳۹۳ محوطه برزقواله ۱ یکبار دیگر به طور کامل غرقاب شد.
۲. متأسفانه محوطه برزقواله (۱) بر اثر حفر چاله‌های حفاری غیر قانونی به شدت آسیب دیده است. در گوشه و کنار محوطه این گودال‌ها و چاله‌های بزرگ و کوچک به راحتی قابل مشاهده بودند و همین موضوع پس از آبیگری و بالا آمدن آب سد موجب تخریب بیش‌تر آثار خواهد شد. کما این که بخش‌هایی از این تخریبات و اثرات ناشی از این گودال‌ها و چاله‌های بعضاً عمیق در بنای ساسانی محوطه برزقواله ۱ عیناً مشاهده شد.
۳. برای اطلاعات بیش‌تر به گزارش‌های موجود در کتابخانه پژوهشکده باستان‌شناسی مراجعه شود: (آرش لشکری، محوطه برزقواله، ۱۳۸۹؛ عطا حسنپور، محوطه قلعه‌گوری، ۱۳۸۹-۱۳۹۲؛ لیلی نیاکان، محوطه فرارش، ۸۹-۱۳۹۳؛ و یعقوب محمدی‌فر، قلعه سیرمشاه، ۱۳۸۹-۱۳۹۰ و هورشید، شقایق؛ ۱۳۹۳).
- ابن اثیر جزری، عزالدین علی. (۱۳۷۴). *الکامل فی التاریخ (تاریخ کامل)*. ترجمه علی هاشمی حائری و ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی. ج ۱۲. تهران: نشر داد.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد. (۱۳۴۵). *سفرنامه ابن حوقل (صورت الارض)*. ترجمه جعفر شعار. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم. (۱۳۷۳). *الممالک و المسالک*. ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۷۲). *ایلام و تمدن دیرینه آن*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۶۶). *نگاهی به ایلام*. تهران: نشر هنر.
- بازگیر، فضل‌الله و دیگران. (۱۳۹۲). *استان‌شناسی لرستان*. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ دوم.
- پرویز، احمد. (۱۳۸۰). *پل و تحول آن در قلمرو ابوالنجم بدر بن حسنویه «قرن چهارم هجری»*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته باستان‌شناسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. استاد راهنما: دکتر سوسن بیانی.
- حسن‌پور، عطا. (۱۳۸۹-۱۳۹۲). *کاوش نجات‌بخشی قلا گوری رماوند، کوه‌دشت لرستان*. گزارشات باستان‌شناسی. کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی.
- راد، ناصر. (۱۳۷۴). *تاریخ سرزمین ایلام از روزگار باستان تا انقراض حکومت والیان لرستان و ایلام*. تهران: نشر ارغنون.
- زنده‌دل، حسن. (۱۳۷۹). *مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی، استان لرستان*. تهران: سازمان ایرانگردی و جهانگردی، تهران.
- سیدین بروجنی، سیدرسول. (۱۳۸۶). *بررسی و شناسایی حوضه آبیگر سد سیمیره ساحل چپ و راست رودخانه سیمیره از تنگه سازبن تا سد سیمیره*. گزارش باستان‌شناسی. کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی.
- (۱۳۸۱). *سیمای طرح سد و نیروگاه سیمیره*. تهران: شرکت مهندسی مشاور مهتاب قدس.
- کامبخش، سیف‌الله. (۱۳۶۸). «دره‌شهر». در *شهرهای ایران*. ج ۳. به کوشش محمدیوسف کیانی. تهران: چاپخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی به کوشش جهاد دانشگاهی تهران.

- لسترنج، گای. (۱۳۶۴). سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لشکری، آرش و دیگران. (۱۳۸۹). کاوش نجات‌بخشی محوطه برزقواله لرستان (گزارش منتشر نشده).
- محمدی‌فر، یعقوب. (۱۳۸۹-۱۳۹۰). کاوش‌های نجات‌بخشی حوضه آبگیر سد سیمره: گزارش مقدماتی کاوش در قلعه سیرم‌شاه (گزارش منتشر نشده).
- مسعودی، ابوالحسن. (۱۳۸۱). التنبيه و الاشراف. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نیاکان، لیلی. (۱۳۸۹-۱۳۹۳). کاوش نجات‌بخشی محوطه فراش (گزارش منتشر نشده). کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی.
- هورشید، شقایق. (۱۳۹۳). گزارش کاوش نجات‌بخشی سد سیمره محوطه برزقواله (۱). کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی.